

Examining the patterns of resistance by focusing on the Meccan verses and applying it to the life of the Prophet

Abstract

The Holy Qur'an has presented a comprehensive plan in the affairs of life for the advancement of man and has drawn the spirit of resistance in the implementation and explanation of its commands in different ways so that man knows the straight path. Among these methods, he pointed out the introduction and familiarization of the forms of resistance and stability in the Qur'an. The Quran has mentioned all the effective examples in this field. The purpose of this article is to extract and express the patterns of resistance in the light of verses and traditions and apply those patterns to the Prophet's life with a descriptive and analytical method, so that the overall structure of the Qur'anic system, especially the Meccan verses, in the introduction of the patterns, and the characteristics of The Qur'an should be clarified in modeling; So that by following these examples, one can follow the path of happiness. The results indicate: looking at the noble verses of the Qur'an, the goal of religion is to establish justice in the shadow of monotheism, and justice is established when one obeys the commands of monotheism and the messengers and messengers of monotheism, and refuses to obey tawagith and that which is against monotheism. The reason for the existence of the enmity of the infidels and oppression is that the path of truth has always been accompanied by the creation of obstacles by the enemies, and confronting these obstacles is the most important reason for resisting the existing dangers. Their whole life and behavior are patterns of resistance, which can be used in all fields to get rid of these patterns and gain happiness in this world and the hereafter.

Keywords: pattern, resistance, Meccan verses, life, life of the Prophet

بررسی الگوهای مقاومت با تمرکز بر آیات مکی و تطبیق آن بر سیره پیامبر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

زینب اصغری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱

علی صفری^۲

چکیده

قرآن کریم، برای تعالی انسان، برنامه‌ای جامع در امور زندگی ارائه نموده است و با روش‌های متفاوت، روح مقاومت را در اجرا و تبیین دستوراتش، ترسیم نموده است تا انسان، راه مستقیم را بشناسد. از جمله این روش‌ها، معرفی و شناساندن اسوه‌های مقاومت و پایداری در قرآن، اشاره نمود. قرآن تماماً به ذکر مصداق‌های مؤثر در این زمینه پرداخته است. هدف این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی، استخراج و بیان الگوهای مقاومت در پرتو آیات و روایات و تطبیق آن الگوها بر سیره نبوی است تا بدین سبب، ساختار کلی نظام قرآن، به خصوص آیات مکی، در معرفی الگوها معلوم گردد و هم شاخصه‌های قرآنی در الگو سازی روشن شود؛ تا با تبعیت از این مصداق‌ها، بتوان راه سعادت را پیمود. نتایج حاکی است: با نگاه به آیات شریف قرآن، غایت دین اقامه عدل، در سایه توحید است و زمانی عدل اقامه می‌گردد که از دستورات توحیدی و رسل و پیام‌آوران توحید متابعت نموده و از اطاعت طواغیت و آنچه در برابر توحید است، سرباز زد و به دلیل وجود عداوت کفار و ظلمه، راه حق همواره با ایجاد مانع‌هایی از سوی دشمنان همراه بوده است و مقابله با این مانع‌ها، مهمترین دلیل بر مقاومت در برابر خطرات موجود است. انبیاء از جمله پیامبر اسلام بعنوان سرمداران مقاومت و کسانی که در این راه به تبع ایشان مقاومت می‌کنند تمام سیره و رفتارشان، الگوهای مقاومت هستند که می‌توان به اخراج این الگوها در تمام زمینه‌ها از آنها بهره برد و سعادت دنیا و آخرت را کسب کرد.

کلیدواژه: الگو، مقاومت، آیات مکی، سیره، سیره پیامبر

^۱ دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) zeynabqom62@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث تهران، تهران، ایران. safari.1385@yahoo.com

خداوند هدف خود از خلقت انسان را، تعالی و رشد بیان می‌کند و برای رسیدن به این هدف از هیچ برنامه‌ای، فروگذار ننموده است. از روش‌های تربیتی قرآن، معرفی الگوهای برتر در هر زمینه است که در هنگام نقل زندگی این الگوها اعم از پیامبران و غیر پیامبران، تنها به اوج زندگی آنان اشاره می‌کند. مثلاً از هزاران پیامبر، تنها شماری معدود را معرفی می‌کند که بهترین و قابل‌ارائه‌ترین افراد به همه جوامع بشری است و دیگر از میان آن همه لحظات زندگی ایشان، تنها به اوج های زندگی آنان اشاره می‌کند که قابل پیروی باشند. از آنجایی که در مسیر حق، همواره موانع غیرحق و شیطانی وجود داشته است برای تعالی و حفظ ره پویان این مسیر، ایستادگی در برابر موانع، دستورالعملی کارا بوده که خداوند پیامبران را به عنوان هادیان و معتمدین و مسئولین، در رأس مقاومت و آنها را مأمور به همراهی مردم در این پایداری نمود تا در پرتو ثبات قدم، بتوان دین را در جامعه نهادینه، موفق و پیروز، به سرمنزل رهایی برساند. برای محقق شدن چنین امری خداوند نسخه استقامت و ثبات قدم در برابر ناملایمات را معرفی می‌کند. و این الگوها و شاخصه‌هایی که در آنها لازم است را در قرآن بیان نموده است و از آنجا که زندگی پیامبر و اصحاب در مکه توأم با تحمل مشقات و ناگواری‌های زیادی بوده است، مقاومت و پایداری در آیات مکی، نمود بیشتری پیدا می‌کند. چرا که در این محدوده از زندگی پیامبر بوده است که فشارهای سنگینی در مسیر دعوت پیامبر به توحید و حق به وجود آمده است. لذا قرآن - به طور مستقیم (در آیاتی که مخاطب امر خود پیامبر اسلام هستند و چه سرگذشت سایر انبیا) ملاک و شاخصه‌های مقاومت را که در سراسر قرآن و سیره پیامبر مشهود است را معرفی کرده است که می‌توان با دقت نظر و فحص کامل از این آیات به استخراج الگوی مقاومت بر اساس آیات مکی و سیره پیامبر در مکه دست یافت؛ لذا این تحقیق در صدد است تا بیان کند که شاخصه‌های مقاومت در آیات مکی چیست و مصادیق جریان آنها در سیره پیامبر اکرم، در شهر مکه، چه بوده است؟ مصادیق الگوی مقاومتی در آیات مکی چه کسانی هستند؟ مقاومت در همچنین شاخصه‌های الگوی مقاومت مطرح در آیات مکی در چه مصادیقی از سیره پیامبر در مکه جریان داشته است؟

با پاسخ به این سؤالات در این تحقیق، اهدافی چون معرفی الگوهای مقاومتی مطرح در آیات مکی قرآن و سپس به استخراج الگوهای کلی مقاومتی با توجه به آیات مکی و تطبیقی با سیره نبوی پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری و ضرورت تحقیق :

امروزه با گسترش اسلام و توسعه مرزهای فرهنگی و سیاسی و قرائت اسلام در تمام زمینه‌ها و خصوصاً توسعه فرهنگ از جمهوری اسلامی و ادعای ایجاد یک تمدن نوین اسلامی که در انتها با ظهور حضرت ولیعصر این تمدن جهانی خواهد شد، طبیعتاً این ادعا، زحمات، تحمل مشقات و استقامت زیادی را می‌طلبد. همچنین با طرح امثال این ادعا، دشمنی یهود و نصارا با اهل اسلام به خصوص شیعه بیشتر می‌شود که همانطور که در عصر حاضر جمهوری اسلامی ایران مبتلا به دشمنی‌های این دسته قرار گرفته است که با ایجاد فشارها و انواع تحریم در صدد شکستن مقاومت مردم هستند که با وجود آموزه‌هایی که در قرآن در مسأله مقاومت داریم و با توجه به سیره پیامبر و مورد مطالعه قرار دادن این تحقیقات می‌توان به الگو برداری از الگوهای قرآنی و سیره نبوی، از این مشکلات عبور نمایم. همچنین فقدان تعاریفی مبین، سبب رسیدن به درکی ناصواب از موضوع گشته و عدم استخراج و تبیین الگوها، موجب جایگزین شدن الگوهای غیر دینی می‌گردد.

در این زمینه گرچه تحقیقاتی صورت گرفته است و از الگوهای مقاومتی بحث شده است؛ لکن تحقیقی که به استخراج الگوی مقاومت از آیات مکی همت گماشته و بر سیره پیامبر اسلام تطبیق نموده باشد یافت نشد و آنچه از تحقیقات که به عنوان پیشینه تحقیق می‌توان ذکر نمود بدین شرح است:

۱. الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، محمد حکیمی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، در این پایان‌نامه با به‌کارگیری گفتمان مقاومت اسلامی متناسب با رویکرد بومی و ایجاد دستگاه تصمیم‌سازی کارآمد در حکومت اسلامی، در وهله نخست به واکاوی اندیشه رهبر نظام و تبیین روشمند و علمی این امر در آراء ایشان و سپس ارائه الگویی دقیق و ملموس برای کاربرست مقاومت اسلامی است.

۲. بررسی جلوه‌های مقاومت در نهج البلاغه، خدیجه پیزانی، به بررسی عنصر مقاومت در نهج البلاغه پرداخته است.

۳. آسیه الگوی مقاومت، جلالوند، علی، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، انتشارات نور السجاد، ۱۳۸۰، در این کتاب به تبیین رفتار مقاومت دینی جناب آسیه (هم‌سر فرعون، تحت شرایطی که از حیث ثبات و حفظ دین و ایمان بسیار سخت است) اقدام می‌نماید، و به بیان شاخصه‌های مقاومت آسیه به عنوان الگوی زنان مقاوم در برابر طاغوت می‌پردازد. از جمله این شاخصه‌ها، می‌توان به اعتقاد محکم و خلل ناپذیر، بی‌زاری از ظالمان و طاغوتیان، دفاع از مظلومان و بی‌گناهان، آگاهی از تولی و تبری، هدایت و ارشاد دیگران و... اشاره نمود.

۴. «مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو»، اصغر افتخاری، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۹ ش؛ در این کتاب، به بیان برخی از الگوهای مقاومتی، و نوع ساختار مقاومتی که در دستورات دینی به آن اشاره شده، پرداخته است.

— در این زمینه، گرچه می‌توان به مقالات و کتب بیشتری دست یافت ولی به‌طور نمونه به چند مورد بسنده گردید و می‌توان بیان داشت که با وجود تحقیقات موردی، درباره الگوهای مقاومتی (همچون پیامبر گرامی اسلام، حضرت ابراهیم یا آسیه) لکن تحقیقی که به‌طور کلی از بین الگوهای مختلف به جمع‌آوری و استخراج تمام الگوهای مقاومتی به‌طور خاص بر اساس آیات مکی و تطبیق بر سیره نبوی در ایام زندگی ایشان در شهر مکه نداشته است.

۱. مفاهیم

۱.۱. الگو

«الگو» در زبان فارسی معادل «اسوه» در لغت عربی است. «اسوه» از «سو» به معنای درمان و علاج جراحات به‌وسیله پزشک با دواء، گرفته شده و در شعرهای دوره جاهلیت، از اعشی نقل شده است که اسوه به معنای حالات یکسان دو فرد یا گروه آمده است (فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۳۳۳). همچنین به معنای تأسی و اقتدا کردن به دیگری در مصیبت و رضایت حاصل از این تاسی آمده است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۱، صص ۱۰۵-۱۰۶). با توجه به نظر لغت‌شناسان فوق‌الذکر و همچنین سایر لغویان (راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۶-۷۷؛ جوهری، صحاح اللغه، ج ۶، ص ۲۲۶۸؛ فیومی، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۵). گفته می‌شود که اسوه، عاملی برای تحمل ناملازمات و مصیبت‌هایی است که با مشابهت دادن خود با دیگری که دچار آن مصیبت‌ها شده بدست می‌آید و حاصل تأسی به اسوه، کسب آرامش و بالا بردن مقاومت و قدرت تحمل در برابر موانع و مشکلات است.

و در اصطلاح، الگو، سرمشق قراردادن دیگری است، چه آن الگو خوب باشد و چه بد (راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۶-۷۷). به همین جهت، قرآن کریم، الگوهای معرفی شده از جانب خود را به صفت حسنه متصف می‌نماید: (به

حقیقت سرمشق و الگوی زیبایی در پیغمبر خدا برای شما هست. برای کسانی که امید به خدا داشته و جویای قیامت باشند و خدا را بسیار یاد کنند. او سرمشقی مناسب برای همه انسانها در همه عصرها و نسلها است (احزاب، ۲۱). برای تربیت از شیوه‌های گوناگونی می‌توان بهره جست که یکی از مهمترین آنها، روش الگویی است که از آن با عناوین الگوسازی، اسوه‌سازی، ارائه اسوه‌ها، قندها، اسوه‌پذیری و الگوگیری یاد می‌شود. روش الگویی، از شیوه‌های عینی و کاربردی تعلیم و تربیت است. تأثیر شخصیت الگوها در شکل‌گیری رفتار و تثبیت شخصیت اخلاقی و اجتماعی افراد، بسیار مهم است. این روش که به‌طور غیر مستقیم و از طرق مشاهده صورت می‌گیرد از موثرترین، انواع یادگیری است. الگوپذیری انسان و تأثیر الگوها، یک امر طبیعی است که از نیروی تقلید نشأت می‌گیرد.

۱،۲. مقاومت

مقاومت از ریشه «ق و م» در باب مفاعله و ثلاثی مزید و در لغت به معنی استوار بودن، ایستادگی کردن، پایداری نمودن، دوام، و استحکام آمده است. ابو زید انصاری می‌گوید: «اقت الشئ و قومته فقام؛ اقامه و تقویم و قیام به معنی استقامت است. استقام فلانٌ بفلانٍ ای مدحه و اثنی علیه، یعنی او را ستود و دعا کرد. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۲۷۸). لغویان مصدر «قیام» را نقیض «جلوس» و «جلوس» را «نشستن» معنا کرده‌اند، برخی نیز معنای آن را «نشستن برای استراحت» دانسته‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۹۶؛ فیومی، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۰۵؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۸).

اصطلاح مقاومت در آموزه‌های اسلامی یعنی تقویت استواری خط اسلام با حرکت در راه اسلام به عنوان یگانه راه درست و با تکیه بر عوامل هدایت و قدرت در گفتمان اسلام. بنابراین مقاومت، نبرد پایان‌ناپذیر حق و باطل است. مقاومت از سلوک درونی در مبارزه با نفس شروع شده و به مرزهای جغرافیایی ادامه می‌یابد. البته به اینجا هم ختم نخواهد شد؛ چرا که مقاومت منحصر در نبردهای مسلحانه نیست. بلکه نبرد مسلحانه تنها بخشی از آن را شامل می‌شود. در نبردهای عقیدتی و فرهنگی از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و جهان شمول است.

از مهم‌ترین و محکم‌ترین آیاتی که بیانگر فرهنگ مقاومت در قرآن کریم است، می‌توان به آیه سوره مبارکه هود اشاره نمود، که به پیامبر (ص) فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (هود، ۱۱۲)؛ یعنی همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر کس که با تو توبه کرده است نیز چنین کند.» در اینجا استقامت همان مقاومت است، یعنی دوام و ثبات قدم در انجام درست فعل.

مقاومت در قرآن کریم تنها یک اصطلاح نیست؛ بلکه فراتر از واژه و اصطلاح است. مقاومت در فرهنگ قرآن یک اصل است. قرآن وقتی فرهنگ مقاومت را تبیین می‌کند در مباحث گوناگون و در تجربه‌های عینی و زنده از واژه‌های استقامت و صبر استفاده می‌کند. در برخی از آیات قرآن، مقاومت را با واژه صبر به معنی ثبات قدم بکار برده است (انفال، ۴۵).

هیچنین معنای مقاومت در اندیشه علامه طباطبایی: در هر امری، استقامت به معنای ثبات قدم در حفظ آن امر و در ادا نمودن حق آن به‌طور تمام و کامل است. چون بیان شد، استقامت خود بشر عبارت است از ایستادگی و پایداری به تمام ارکان و قوا در مقابل وظایفی که به او روی آورده است، بطوری که کمترین استطاعت و نیرویش، نسبت به آن وظیفه بی اثر نماند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۶۴).

آیه‌ها و سُورِی که در عصر حضور نبی اکرم، در مکه بر ایشان نازل شده‌است آیه و سوره مکی گفته می‌شوند و آیه‌ها و سُورِی که در عصر حضور پیامبر، در مدینه النبی نازل شده است، آیات و سوره‌های مدنی نامیده می‌شوند. معیار در مکی و مدنیّت آیات، مهاجرت نبی اکرم، و وصول به یثرب است. به خاطر این معیار و ملاک آن آیاتی که قبل از هجرت و یا در میان راه و قبل از وصول به مدینه النبی نازل گردیده، مکی و آنچه بعد از این نازل گردیده، مدنی می‌باشد. این معیار به حسب وقت بوده و به همین سبب، آنچه که قبل از هجرت، بر پیامبر، نازل شده مکی شمرده می‌شود و آنچه که پس از هجرت نازل گردیده، مدنی است بر حسب این معیار سوره‌های مدنی ۲۸ سوره و مکی ۸۶ سوره می‌باشند.

۲. یافته‌های تحقیق: مصادیق الگوهای مقاومتی در آیات مکی

۲,۱. حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام و حضرت آسیه

حضرت ابراهیم علیه السلام از انبیای بزرگ الهی است که در زندگی ر سالی خویش با مشکلات و تهدیدهای گوناگونی روبرو می‌شود و همه مشکلات را با توکل و اتکای بر خدا و ایستادگی و مقاومت پشت سر می‌گذارد. آن حضرت به عنوان الگوی مقاومت و ایستادگی در زمینه‌های مختلف به روش‌های مختلف و گوناگون در مقابل مشکلات ایستادگی می‌کند. در مقابل آزر با نهایت ادب و محبت سخن می‌گوید تا او را به تعقل وادارد که با تهدید آزر به سنگسار شدن روبرو می‌شود (ابراهیم، ۴۱).

در زمینه سیاسی در برابر نمرود مقاومت و ایستادگی می‌کند و با استدلال‌های خود موفق می‌شود نمرود را شگفت‌زده کند و نمرود پس از شکست خوردن، او را به آتش می‌افکند. در برخورد با قوم خود نیز تلاش و کوشش می‌کند و با استدلال آنها را به توحید و یکتاپرستی دعوت کند.

«آیا ندیدی کسی [نمرود] که با ابراهیم در باره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود هنگامی که ابراهیم گفت: خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. او گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشتبه ساختن بر مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: خداوند، خورشید را از افق مشرق می‌آورد (اگر راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی تویی)، خورشید را از مغرب بیاور!» آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند (بقره، ۲۵۸).»

ادب و دل‌سوزی و محبت نسبت به مخالفان، صداقت و راست‌گویی، صراحت و شجاعت در اعلام موضع و عقیده خود، دعا و استمداد از خداوند، بهره‌مندی از علم الهی، اطاعت از امر پروردگار در احتجاج با مشرکان، اصول مقاومتی است که این پیامبر اولوالعزم، طی می‌نماید و در نهایت به عنوان معروف‌ترین الگوی مقاومت در قرآن معرفی می‌گردد.

بخش‌هایی از زندگی نبوی و پررنج حضرت اسماعیل در قرآن به عنوان یک الگوی مقاومتی بررسی گردیده‌است. نقش الگویی مقاومت ایشان کامل، و برجسته است.

قرآن کریم، حضرت اسماعیل را با ویژگی‌های منحصر بفردی مانند حلیم، صابر و صادق‌الوعد بودن معرفی می‌کند. علاوه بر ویژگی‌های خاص ایشان از برخی عملکرد ایشان مانند تحمل و همراهی در هجرت به مکه به دلیل اطاعت از دستور

پدر و مشارکت در بنای کعبه و فراهم کردن شرایط حج و اطاعت از دستور الهی مبنی بر ذبح شدن و... نیز سخن به میان آمده است.

طبق عملکردهای مطرح شده ایشان با صفت صابرين معرفی شدند ﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ﴾ اسماعیل و اسحاق و ذاکفّل از صابران هستند انبیاء، ۸۵. از مجموع صفات بیان شده، می‌توان شاخصه مقاومت، صبر و شکیبایی را استخراج کرد.

با توجه به شاخصه منحصر به فرد " صبر و استقامت" در حضرت اسماعیل که بصورت مستقیم و غیر مستقیم به ایشان نسبت داده شده است ﴿قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسر من! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت! صفات، ۱۰۲. می‌توان به این نتیجه رسید یکی از الگوهای مقاومت در قرآن، حضرت اسماعیل علیه السلام هستند.

﴿خداوند برای مومنان به همسر فرعون مثل زده است..... و همچنین به مریم دختر عمران (تحریم، ۱۱).﴾ با توجه به محیطی که آسیه در آن زندگی می‌کرد می‌توان ایشان را الگوی مقاومت در برابر ظلم و کفر و طاغوت، ایمان راسخ، توکل و مقاومت دانست. عواملی همچون وضعیت نابسامان اجتماعی، فشارهای روحی و روانی محیط، همسر و... مجوزی برای ترک اطاعت از خدا و تقوا نیست. زرق و برق و جلال و جبروت ساختگی دستگاه فرعون در تاریخ نمونه است، همچنان که فشار و شکنجه‌های سخت فرعون و عمال او مثال زدنی است که با این وجود، آسیه از مسیر ایمان به خدا باز نماند و تا پای جان مقاومت نمود و خود را فدای معبود حقیقی کرد. او نشان داد که اگر در قلب کفر و ظلم هم که باشی می‌توان با ایمان راسخ، مقاومت نمود.

در آیات متعدد دیگری، مصادیق زیادی از الگوهای مقاومتی را می‌توان اشاره کرد که در این مختصر به چند مورد، بسنده گردید.

۳. الگوهای مقاومتی در آیات مکی و تطبیق آنها بر سیره پیامبر

۳,۱. الگوی مقاومت تربیتی و اخلاقی و تطبیق آن بر سیره پیامبر

۳,۱,۲. صبر و ایستادگی

«صبر» خویشتن داری و حبس نفس است بر چیزی که شرع و عقل تقاضا می‌کند، یا از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کند (قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۰۵). ارزشمندی اخلاق در جایی جلوه‌گر می‌شود که همراه با بردباری و صبر بوده و پیامبر الهی در مصیبت، طاعت و معصیت صبر کند (حرّانی، تحف العقول، ص ۲۰۶).

نمونه‌ی پایداری در دعوت و طاعت را می‌توان در شیخ الانبیا، حضرت نوح علیه السلام دید که به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم و با عمری طولانی آن چنان استقامتی در تبلیغ دین الهی از خود نشان داد و سالیان طولانی امت خویش را به یکتاپرستی دعوت کرد و پانصد سال بر ایشان گریست و به همین دلیل نوح نامیده شد.^۱

۱. بحران، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۱۰۱.

نمونه بارز دیگر استقامت در صبر بر مصیبت، حضرت ایوب است که با انواع نعمت‌ها و سختی‌ها آزموده شد و با اخلاق نیکو در برابر همه آنها از خود صبر و شکیبایی نشان داد. «ایوب» لغتی عجمه به معنای «بازگشت کننده» است و قرآن این معنا را تأیید می‌کند. خداوند ایوب علیه السلام را به انواع بلاها مبتلا ساخت تا آنجا که تمام اموال و فرزندانش را از او گرفت و به بیماری مبتلا کرد و او در تمامی امتحانات سربلند بیرون آمد و با اخلاق عظیم، پس از آخرین مراحل آزمایش از روی ناله و تضرع، نه از روی خشم و غضب از خدا خواست که او را نجات دهد و خدا نیز دعای او را مستجاب کرد. خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را با صفت بردباری، پرسوز و آه ناله بودن ستوده است. «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ»^۳ «حلیم» کسی است که در انتقام و عقوبت عجله نمی‌کند و «اواه» کسی است که بسیار آه می‌کشد به خاطر بدی‌هایی که به او می‌رسد یا مشاهده می‌کند، و «منیب» از ماده «انابه» به معنی رجوع است و مراد از آن رجوع در هر کاری به سوی خداست. اخلاق مقاومتی حضرت ابراهیم در صبر بر مصیبت امت و عدم شتاب‌زدگی وی نسبت به قوم لوط قابل مشاهده است که برای پیشگیری از عذاب قوم لوط با ملائکه الهی مجادله کرد و سعی در دور کردن عذاب از قوم لوط نمود و پس از شنیدن استدلال آنها، تسلیم امر خدا شد. ثبت پرستان با تهمت‌های ناروا نظیر سفاهت، جنون، شاعری، سحر، افترا و دروغ‌گویی و برتری‌طلبی به رویارویی با پیامبران برمی‌خاستند و با توطئه‌های فراوان، بر ضد پیامبران اقدام می‌کردند و انبیای الهی در مقابل تمامی این نسبت‌های ناروا و اذیت و آزار مشرکان و کافران از خود صبر و بردباری نشان می‌دادند.

۳،۱،۱. سعه صدر

«سعه صدر» گستردگی و باز شدن سینه به انوار الهی و آرامش و طمأنینه از جانب خداوند متعال و روح و رضوانی از جانب او است تا اینکه شخص، حقایق الهی را تلقی و دریافت کرده و از اذیت و آزار مردم در مقابل تبلیغ دین دچار تنگنا نشود و یکی از شاخصه‌های انبیا خصوصاً پیامبر اسلام، سعه و شرح صدر در انجام مأموریت الهی است.^۴ حضرت موسی علیه السلام در آغاز مسیر به سمت وادی طوی، به جهت اجرای رسالت و مقابله با فرعون از طغیان و گردن‌فرازی در مقابل رب‌العالمین از خداوند درخواست سعه صدر کرده و عرض کرد: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان»^۵ و خداوند باری تعالی به پیامبر، شرح و سعه صدر عطا فرمود و شرح صدر نبی در خلق عظیم آن حضرت نمایان شد و این رأفت قلبی و شرح صدر پیامبر، که از روح والای آن حضرت سرچشمه می‌گرفت، موجب می‌گردید تا این اخلاق نیکو در رسالت ایشان تأثیر گذارد و به همین سبب، با دلسوزی تمام نسبت به امت برخورد کرده و تمامی سختی‌ها را تحمل و در عوض، امت را به راه راست هدایت نماید، به همین دلیل آن بزرگوار

۱. حمی، قرب الانس ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. ط، ۴۴.

۳. هو، ۷۵.

۴. ط المصباح، المیزان ج ۱۰، ص ۶۳.

۵. بحران، البرهان فی تفسیر القراچ، ۳، ص ۹۱.

۶. ط المصباح، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۲۰، ص ۳۱۴.

۷. ط، ۲۵.

فرمود: «مَا أَوْذَى نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أَوْذِيَتْ: هیچ پیامبری مانند من در راه رسالت، آزار و رنج ندید»^۱ و این اخلاق و سیره نیکو حتی در مقابل مخالفین جایی ادامه داشت که منافقین پیامبر، را انسان زودباوری نامیدند که به حرفهای آنان گوش فرا می‌دهد، این خوش‌باوری پیامبر، نسبت به سخنان خدا و مؤمنان، بر اساس خیر است، و نسبت به غیره مسلمانان برای احترام به آنها و جلوگیری از هتک حرمت آنان است،^۲ که بیانگر سعه صدر پیامبر و تحمل بالای آن حضرت در مقابل مخالفان می‌باشد. این سعه صدر را خداوند متعال به پیامبر، عنایت فرمود تا بتواند ضمن دریافت علوم الهی، سختی‌ها را تحمل نماید.^۳

این امتیاز مقاومتی پیامبر، موجب گردید تا انسان‌های بسیاری پیرامون وی گرد آمده و از تعلیمات و حیانی وی بهره‌گیرند و خداوند متعال به دلیل همین امتیاز وی را ستوده است، «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُونَا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به رحمت الهی، با آنان نرم‌خو شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند»^۴ استقامت پیامبر به جامعه منحصر نبود، و حتی در خانه با اذیت و آزار همسران خود کنار می‌آمد، زیرا بعضی از همسران پیامبر نسبت به کارهای حلال حضرت خرده گرفته و آن حضرت را آزار می‌دادند تا حدی که ایشان سوگند خورده که آن عمل را انجام ندهند. در پی این امر خداوند متعال به حمایت از پیامبر خود بر آمده و جبرئیل و امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان پشتیبان وی معرفی کرد.^۵ بنابراین رسول خدا، با تحمل سختی‌های فراوان در پی اجرایی کردن قوانین الهی در جامعه استقامت نشان داده و جامعه اسلامی را به سر منزل مقصود رسانید.^۶

۳،۲. الگوی مقاومت فرهنگی و تطبیق آن بر سیره پیامبر

مقاومت فرهنگی به معنای ایستادگی در برابر نیروهای مهاجم ضد تعالیم اسلامی است. این ایستادگی مفهومی دفاعی دارد، که گاهی فقط ایستادگی و گاهی همراه با مبارزه است. مقاومت فرهنگی در بردارنده حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است که در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان دین به ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرد. آشنا بودن ملت‌ها با ارزش‌ها می‌تواند، آنها را به مدارا با ارزش‌های اسلامی فرا خوانده و از سوی دیگر به مقابله با تهاجم‌های فرهنگی وادارد. ایستادگی و مقاومت شرافتی دارد که از حفظ آرمان‌ها و ارزش‌ها در مقابل وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرد و در این راستا می‌بایست از مقاومت فرهنگی و فرهنگ مقاومتی بهره جست.

۱. فیض کتلج، الوافی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲. توبه، ۶۱.

۳. ط. المجلد، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۴.

۴. انشج، ۳-۱.

۵. جواد آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲۸، ص ۲.

۶. آل‌عمینا، ۱۵۹.

۷. فیه، تفسیر فیه، ج ۲، ص ۳۷۶.

۸. تحویب، ۴.

۳،۲،۱. صریح اللهجه و بیان

یکی از اصول فرهنگی، صراحت در بیان است و از آنجا که معمولاً انبیای الهی با اقوامی عادی سروکار داشتند، می‌بایست از صراحت بیان در گفتار خود استفاده کنند. از جمله انبیای الهی که از صراحت بیان با اقوام خود استفاده کرده، حضرت هود علیه السلام است که با افراد مشرک و رفاه‌طلب روبرو بوده و به واسطه‌ی دنیازدگی در مقابل توحید از خود مقاومت نشان داده و قوم خود را به یکتاپرستی دعوت کرد.^۱ وی در ابلاغ رسالت خود راه نصیحت و امانت را در پیش گرفت و با در نظر گرفتن خیر انسانها آنها را دعوت به یکتاپرستی نمود و خود را در ارسال پیام‌های الهی امین نامید.^۲

قوم عاد به سبب امکانات رفاهی فراوان دچار غفلت گردیده و مواعظ پیامبر خویش را نادیده گرفتند و به وی نسبت نادانی دادند،^۳ حضرت در مقابل بی‌ادبی قوم فرمودند: شما اگر از توحید روگردانید، من رسالت خویش را به شما رساندم.^۴ یعنی حجت بالغه‌ی الهی را به انجام رساندم و اگر شما پس از اتمام حجت برگردید، خدا و سایل رفاهی را از شما خواهد گرفت. با اینکه حضرت هود بین انسانهای ثروتمند زندگی می‌کرد و می‌توانست در مقابل راهنمایی و ارشاد آنها طلب اجر کند ولی پاداش کار خود را بر عهده‌ی پروردگار نهاد؛ زیرا انبیای الهی از طمع اموال دنیوی، منزّه هستند و به امت خویش اطمینان داد که من در امر رسالت امانت را رعایت کرده‌ام، ولی آنها او را تکذیب کردند و خدا آنها را به وسیله‌ی باد نابود کرد صراحت بیان حضرت هود و استقامت وی در این مسیر موجب هدایت قوم عاد نشد و آنها از راهنمایی نبی الهی بهره‌ای نبردند و به عذاب الهی دچار شدند.

حضرت ابراهیم با صراحت بیان عمومی خود آذر و مشرکان را از بت‌پرستی نهی کرده و گمراهی آنان در این مسیر یادآور شد.^۵ خداوند متعال پیامبر اسلام، را به موعظه نیکو و جدال احسن دعوت کرده است. امام صادق علیه السلام در جواب کسی که جدال در دین را از سوی پیامبر نهی می‌کردند، فرمودند: «پیامبر از جدال غیر احسن نهی می‌کردند» بنابراین دعوت به دین شایسته است با صراحت در بیان همراه باشد، ولی بهترین بحث را در برداشته باشد. پیامبر در دعوت مردم همگان را یکسان توحید و اسلام دعوت می‌کردند و در این رابطه با آنان اتمام حجت می‌کردند. هنگامی که امتی از درک بالایی برخوردار نباشند، پیامبر ناگزیر است از صراحت بیان به جای کنایه استفاده کند و این امر بیانگر نارسایی قوم در تحلیل سعادت و شقاوت خویش و نیازمند استقامت انبیا در دعوت خود می‌باشد.

۳،۲،۲. میانه‌روی و اعتدال

«اعتدال» از ریشه عدل به معنای رعایت مساوات و میانه‌روی در امور و استقامت است. اعتدال به معنای پرهیز از افراط و تفریط است، به همین دلیل تداوم بر راه راست کار آسانی نیست و نیازمند استقامت است.^۶

۱. اغوا، ۶۵.

۲. ط. المطلب، المیزان فی تفسیر القرآن ج ۲۴ ص ۲۴.

۳. طبرسی، مجمع البیان ج ۷، ص ۳۰.

۴. هو: ۵۷.

۵. لغ. م، ۷۴: انیا، ۵۱، ۵۴ شعرة، ۶۹، ۷۲، ۷۵، ۷۷.

۶. طبرسی، مجمع البیان ج ۷، ص ۱۰۷.

۷. اسلامی جایگاه و اهمیت اعتدال در تعاملات اجتماع، ص ۲۴.

پیامبر اسلام، روش خود را میانه‌روی در زندگی قرار داده بود «سیرتهُ الْقُصْد» ولی به دلیل استقامت در عبادت خداوند متعال به سختی افتاد و پاهای ایشان متورم شد؛ بنابراین خداوند متعال وی را به میانه‌روی دعوت کرده و فرمود: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى: قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی» پیامبر بر این اساس، خود به حد اعتدال عمل کرده و با مردم نیز به مدارا برخورد می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند مرا به مدارا با مردم امر کرده است»^۳ و مسلمانان را نیز بدان توصیه می‌کرد، به همین دلیل خداوند متعال، امت اسلامی را امت وسط و متعادل نامیده است. زیرا از یک سو موقعیت و نقش رهبری این امت توسط پیامبر اسلام در تبلیغ و هدایت به گونه‌ای است که متمایز از سایر امت‌هاست و از سوی دیگر راه این امت، راه مستقیمی است که بین انحراف یهود به مادیات و مسیحی به رهبانیت، و بین آزادی بی‌حد و استبداد، راه میانه را برگزیده تا الگو و شاخصی برای امت‌های دیگر باشد.

۳,۲,۳. دعوت مردم و گروه‌ها بر اساس تمایلاتی که داشتند (مادی و معنوی)

میزان آشنایی بالای انسان‌ها با امور معنوی، امکان دعوت آنان به توحید را آسان‌تر می‌کند، ولی از آنجا که اقوام معمولاً با امور دنیایی و حسی در ارتباطند، از مسئولین توقع آن را دارند که امور محسوس را برای آنان جلوه‌گر سازد.

حضرت موسی پس از نجات بنی‌اسرائیل از دست فرعونیان با مادی‌گرایی قومش روبرو شد، آنان پی‌درپی از ایشان تقاضای انواع نعمت‌های مادی را می‌کردند و حضرت موسی نیز به اذن الهی درخواست‌های آنان را برآورده می‌ساخت. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۷۱) آنان هنگام سرگردانی در بیابان از غذاهای آماده استفاده می‌کردند و معجزات فراوانی دیدند، بنابراین توقع می‌رفت که بهترین شیوه‌ی بندگی را در پیش گیرند؛ حضرت موسی با دیدن چنین وضعیتی، سعی در هدایت ایشان به خداپرستی کرد و از آنان خواست تا برای رسیدن به رفاه مادی با توجه به معنویات و خضوع در پیشگاه خداوند سجده کنان وارد شهر شوند. هدف حضرت موسی در برآوردن نیازهای مادی بنی‌اسرائیل، رساندن آنان به سعادت اخروی بود، چرا که دنیا مزرعه‌ی آخرت است و استقامت حضرت موسی در این مسیر، رهنمای کارگزاران اسلامی است که نیازهای مادی مردم را برای اصلاح آخرت آنان برآورده سازند.

پیامبر اسلام، برای جذب انسان‌های مادی‌گرا که تمایل چندانی به اسلام نشان نمی‌دادند از حربه‌ی مقاومتی جاذبه‌ی مادی استفاده کرده و بر اساس آیه شریفه «وَالْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ: و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود» سهمی از زکات را به اشراف و ثروتمندان می‌داد تا بدین وسیله آنها را به اسلام علاقه‌مند کرده و در مواقع لزوم از آنها برای جنگ با دشمنان دین اسلام کمک بگیرد (طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۵).

انبیای الهی علاوه بر استفاده از امکانات مادی، انسان‌ها را با گرایشات معنوی به سوی کمال دعوت می‌کردند، هر چند دعوت با امور معنوی که درک آن برای انسان‌های عادی مشکل است، باید با استقامت بیشتری همراه باشد. پیامبران با توجه دادن مردم به خالقیت خداوند متعال آنان را به ارتباط با خداوند متعال تشویق کرده، و ارتباط با خدا را موجب آموزش گناهان و طول عمر معرفی می‌کردند. «يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (ابراهیم، ۱۰).

۱. ط. لم یغفر لکم من ذنوبکم و یؤخرکم إلى أجل مسمى، نهج البلاغه ج ۴ ص ۷۷.

۲. ط، ۲.

۳. کلینی، کافی ج ۲، ص ۷۱۱.

۴. بقو: ۱۴۳.

تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی، از روشهای انبیا در هدایت بوده است. حضرت نوح در مدیریت قوم خویش از خداوند تقاضای بهترین نزولات اعم از مادی و معنوی را می‌کند.

خداوند برای پیکار با کافران به پیامبر امر می‌کند ﴿وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ به وسیله قرآن با آنها جهاد بزرگی کن. جهادی به عظمت جهاد تمام پیامبران پیشین، جهادی که تمام ابعاد روح و فکر مردم را در برگیرد و جنبه‌های مادی و معنوی را شامل شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۴۲).

استقامت پیامبر در امور معنوی از جمله عبادت شبانه در مسجد، بی‌توجهی به دنیا، نوع معیشت و تأکیدش بر تزکیه نفس و تقرب به خداوند، بر تنی چند از اصحاب تأثیر عمیقی نهاد و موجب شد تا بسیاری از جوانان از صرار آن چنان شیفته پیامبر شوند که از پیامبر جدا نشده و به خانه نمی‌آمدند و والدین آنان می‌پنداشتند که آنان در مسجد هستند؛ بنابراین پیامبر اکرم از ظرفیت‌های مادی و معنوی امت خود استفاده کرده و سعی در جذب افراد و گروه‌های مختلف کرد.

۳،۳. الگوی مقاومت سیاسی و تطبیق آن بر سیره پیامبر

یکی از هنجارهای جامعه اسلامی، توحید محوری و اجرای عدالت در جامعه است. یکی از غایات کنترل جامعه، عدم انحراف حاکمان از هنجارهای اسلامی و کارآمد کردن نظام سیاسی در راستای عدالت، رفاه اجتماعی بر اساس خدامحوری است. در این رابطه محور اولیه عملکرد انبیای الهی مبارزه با طاغوت‌های زمان و استکبارستیزی است تا در آن راستا بتوانند حق مظلومان و ستم‌دیدگان را از حاکمان جور بستانند.

۳،۳،۱. مبارزه با طاغوت و فراعنه

«طغی» و «طغیان» در لغت به معنای تجاوز از حد است (ابن فارس، مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۴۱۲) و «طاغوت» در اصطلاح عبارت از هر تجاوزگر و هر معبودی غیر از خداوند است (راغب، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۵۲۰) از آن رو که کافران، خداوند متعال را باور ندارند، دل به غیر می‌سپارند و خویشتن را از ولایت الهی محروم می‌سازند و در دام ولایت طاغوت‌ها گرفتار می‌آیند و به گمراهی می‌لغزند.

انبیای الهی همواره در راستای توحید محوری با حاکمان جور و ستم مبارزه کرده و با تمامی توان در مقابل فرعون و نمودیان زمان به مبارزه برخاسته‌اند. حضرت موسی الگویی برای رهبری تمامی انسان‌هاست و آیات بسیاری از قرآن به داستان بنی اسرائیل و حضرت موسی اختصاص یافته است تا در سی برای مؤمنان باشد. ﴿تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِئِ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾؛ برای تو از اخبار موسی ذکر کردیم. ﴿قصص، ۳؛ طه، ۹۹-۱۰۰؛ شعراء، ۱۰-۶۸؛ قصص، ۳-۴۹؛ اعراف، ۱۰-۳؛ مؤمنون، ۴۵-۴۸؛ نمل، ۱۲-؛ عنکبوت، ۳۹-۴۰؛ طه، ۴۲-۷۶). که بنابر پاره‌ای روایات زندگی امت اسلامی شباهت زیادی به قوم بنی اسرائیل دارد (عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۳). از آنجایی که بنی اسرائیل قومی حس‌گرا بوده و کمتر از عقل خود بهره می‌گرفتند، هر گاه با نشانه‌هایی الهی و معنوی مواجه می‌شدند، از آن حضرت تقاضای حس و رؤیت آن را می‌کردند. حضرت موسی از پیامبران اولوالعزم بود که به سوی شرق و غرب عالم از جن و انس مبعوث گردید و صاحب کتاب تورات و شریعت و روشی بود که مردم مکلف به پیروی از وی بودند و با کتاب موسی عمل به صحف قبلی منسوخ گردید (مفید، المزار، ص ۴۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، کافی، ج ۲، ص ۱۷).

حضرت موسی با دو طاغوت رو در رو بود، یکی فرعون که ادعای ربوبیت داشت و دیگری سامری که با دست‌ساخته‌ی خود دعوت به بت‌پرستی می‌کرد و هر دوی آنها به دریا تهدید شدند. حضرت موسی برای مقابله با فرعون از خداوند درخواست وزیر کرد تا بتواند سختی‌های این راه را بر دوش کشیده و با مشارکت وی به تسبیح خداوند متعال پرداخته و یاد او را در جامعه بگسترانند.

فرمان اولیه‌ی برخوردار حضرت موسی با فرعون همراه با مذاکره با نرمی بود مبتنی بر اینکه همراه با کنایه با او صحبت کند، زیرا خداوند متعال می‌دانست که فرعون جز هنگام ناامیدی ایمان نمی‌آورد. هنگامی که فرعون در این شرایط زیر بار حق نرفت، حضرت موسی از معجزات متعدد استفاده کرد تا شاید او را از طغیان بازدارد، ولی فرعون همچنان به ستمگری ادامه داد و به مبارزه با موسی از طریق ساحران وارد شد تا آنجا که ادعای ربوبیت اعلی را کرده و خداوند او را به کیفر دنیا و آخرت دچار کرد و در دنیا غرق شد و در آخرت به آتش جهنم عذاب خواهد شد.

سامری نیز طاغوت دیگر در زمان حضرت موسی بود که با استفاده از خاک پای مرکب جبرئیل، قوم بنی‌اسرائیل را دچار فتنه کرد و آنان را به گوساله پرستی مبتلا کرد و حضرت موسی او را از خود رانده و او را به عذاب الهی وعده داد و گوساله‌ی سامری را سوزاند و خاکستر آن را به دریا داد.

این چنین موسی با طاغوت‌های زمان خود مبارزه کرد و تا آخر عمر در این راه از خود استقامت نشان داد. حضرت عیسی نیز از هر گونه ستمگری و سلطه‌طلبی مبرا بود (مریم، ۳۲ و ۳۴). و مردم را به تعالیم دین الهی دعوت می‌کرد. بنی‌اسرائیل در پیروی از وی به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم شدند و خداوند برای اتمام حجت، انجیل را به حضرت عیسی عنایت فرمود و به مؤمنان امر کرد تا به شریعت تورات و انجیل ایمان بیاورند (عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۵). و خداوند وعده‌ی پیروزی را به مؤمنان داد.

پیامبر اسلام نیز مأمور شد تا سوابق اهل کتاب را در طاغوت پرستی افشا نموده و عاقبت شوم آن را به آنها گوش‌زد کند. «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ... وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ؛ بگو: «آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا، خیر دهم؟ همانان که خدا لعنتشان کرده ... و آنان که طاغوت را پرستش کرده‌اند. اینانند که از نظر منزلت، بدتر، و از راه راست گمراه‌ترند.» (مانده، ۶۰). پیامبر بر اساس امر الهی «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» در دعوت امت به اطاعت الهی و دعوت آنان به راه مستقیم استقامت نشان داده و در جلوگیری از نواهی الهی به مأموریت خود عمل می‌کرد. خداوند متعال از پیامبر خواست که در مسیر جدید به گونه‌ای عمل کند که همچون امت‌های پیشین منحرف نشود و بر اساس خطی عمل کند که خداوند متعال برای او ترسیم کرده است که مبتنی بر توحید الهی در فکر و عمل است؛ بنابراین پیامبر می‌بایست در مقابل طاغوت‌های زمان خویش ایستادگی کرده و از هر گونه شرکی مبرا بماند.

۳،۳،۲. حمایت از نیازمندان و افتادگان

در طول زمان حاکمان قدرتمند در صدد تسلط بر افراد ضعیف جامعه بوده و از این طریق بر آنها حکمرانی کرده و آنها را به استعمار کشیده‌اند. انبیای الهی که معمولاً برخاسته از قشر متوسط و ضعیف جامعه بوده‌اند، در صدد حمایت از اقشار مستضعف برآمده‌اند.

حضرت موسی علیه السلام با وجود اینکه در قصر فرعون پرورش یافته بود، حامی مستضعفین بود. وی همواره به حمایت از مظلومان و مستضعفان برخاسته و از بنی اسرائیل در مقابل قبطیان حمایت می‌کرد. وی در دعوی بین فرد فرعون و اسرائیلی با حمایت از فرد بنی اسرائیلی بر اساس حکم الهی با دشمن خدا مبارزه کرد که منجر به کشته شدن فرد قبطی شد (قصص، ۱۹). وی هنگام در خطر افتادن، از فرعونیان فرار کرد، و هنگامی که به مدین رسید و دختران شعیب را دید که نیازمند کمک هستند، از تنها توانایی خویش برای کمک در راه خدا دریغ نکرد و از خدا طلب یاری. وی پس از بازگشت از مدین همچنان به حمایت از بنی اسرائیل ادامه داده و با استقامت در این مسیر موفق شد، فرعون را شکست داده و بنی اسرائیل را از دست فرعونیان نجات دهد.

پیامبر اکرم، نیز جهت مبارزه با سردمداران کفر و ظالمان همواره مسلمانان را دعوت به ظلم ستیزی و مقاومت در مقابل ظالمان نموده و خداوند نیز پس از امر به اطاعت از خدا و رسول، در پی مظلوم قرار گرفتن گروهی از مسلمانان صدر اسلام، تحت سیطره ظلم مشرکان مکه (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۱۹، ص ۴۰۷) می‌فرماید: «چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر!» (نساء، ۷۵). این آیات از مسلمانان می‌خواهد که ضمن گردن نهادن به احکام اسلام، در پی حمایت از مظلومان برآمده و آنان را از دست ظالمان رهایی بخشند.

۳،۴. الگوی مقاومت اقتصادی و تطبیق آن بر سیره پیامبر

۳،۴،۱. مبارزه با تبعیض اقتصادی و فاصله اجتماعی و طبقاتی

یکی از عواملی که موجب ایجاد فاصله طبقاتی بین اقشار مختلف می‌شود، به استعمار کشیدن اقشار ضعیف توسط اقشار مرفه جامعه است که با استفاده از موقعیت حاکمیتی و امکانات مادی، عاید افراد صاحب منصب و حاکم جامعه می‌گردد. از آیات قرآن بر می‌آید که حضرت نوح علیه السلام اولین پیامبری است که علیه فاصله طبقاتی و در مورد فراگیری دانش‌های نافع به مبارزه برخاست (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۶، ص ۲۵۱-۲۵۲). ثروتمندان در مقابل دعوت نوح به وی می‌گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی‌ارزش (فقیر و سطح پایین جامعه) از تو پیروی کرده‌اند؟!» (شعراء، ۱۱۱). قوم او که حاضر به ایمان آوردن نبودند، افرادی کم عقل و کم‌خرد بودند که پیروی فقرا از نوح را به دلیل توقع مال و مقام از نوح می‌دانستند و این امر را دلیل عدم پیروی خود از نوح بیان می‌کردند. حال آن‌که انبیای الهی هدفی جز اصلاح دنیا و آخرت بندگان نداشتند و در پی تنظیم اقتصاد جامعه به صورت متوازن بین اقشار مختلف جامعه بودند و حضرت نوح در مدت زمانی طولانی در مقابل مرفهین جامعه از خود استقامت نشان داده و سعی در اصلاح جامعه و از بین بردن فاصله طبقاتی داشت. ثروتمندان در مقابل دعوت نوح به وی می‌گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی‌ارزش (فقیر و سطح پایین جامعه) از تو پیروی کرده‌اند؟!» قوم او که حاضر به ایمان آوردن نبودند، افرادی کم‌خرد بودند که پیروی فقرا از نوح را به دلیل توقع مال و مقام از نوح می‌دانستند و این امر را دلیل عدم پیروی خود از نوح بیان؛ ولی حضرت نوح سالیان سال با رویارویی با اشراف، قوم خود را به یکتاپرستی دعوت کرد.

پیامبر اسلام، نیز تلاش خاصی برای از بین بردن فاصله‌ی طبقاتی داشت، ایشان با بیان ارزش صدقه دادن به اجرایی کردن آن پرداخته و از مردم خواستند که آن را با منت و اذیت کردن باطل نکرده، و نتیجه‌ی آن را موجب فزونی اموال در دنیا دانسته و به بخشش از بهترین اموال تشویق نموده و از مردم خواستند که در آشکار و نهان انفاق کنند، زیرا بازگشت اثر انفاق به نفس خود شخص همراه با طلب وجه الهی است، و کسانی که به افراد نیازمند واقعی صدقه می‌دهند، اجر نهایی را نزد خداوند متعال در آخرت دریافت می‌دارند (بقره، ۲۶۱ - ۲۷۴). پیامبر از این طریق انفاق این را در جامعه‌ی اسلامی به اجرا در آورده و فاصله‌ی طبقاتی را بین مسلمانان از بین بردند.

چون انسان موجودی طمع‌کار است و همواره در پی درآمد فراوان و کسب امتیازات بیشتر در جامعه است. یکی از جوامعی که دچار این آسیب شده و قرآن به آن اشاره کرده است، جامعه‌ای است که حضرت شعیب در آن می‌زیسته. جامعه‌ای که شعیب، رسالت راهنمایی آنها را به عهده داشت، از لحاظ اقتصادی موازین را رعایت نمی‌کردند، بنابراین شعیب آنها را به رعایت پیمانانه و میزان امر کرده و با امر به معروف و نهی از منکر آنها را از مفاسد باز می‌داشت ﴿فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا: پس پیمانانه و ترازو را تمام نهدید، و اموال مردم را کم مدهید، و در زمین، پس از اصلاح آن، فساد مکنید (اعراف، ۸۵)﴾. بدین معنا که به آنان سفارش می‌کرد که کیل و میزان را رعایت کرده و حق مردم را کامل دهند. زیرا جامعه‌ای که به رشد اقتصادی رسیده باشد، دچار غل و غش نشده و در سود دهی دچار فساد نمی‌شود، بلکه هر یک از طرفهای اقتصادی سعی در سوددهی بیشتر می‌نمایند و این هدف بلند اقتصادی است که باید مصلحان اقتصادی در پی آن باشند که هر یک منفعت دیگری را در نظر گرفته و از دیگری چیزی کم نکنند

جمع بندی و نتیجه گیری :

با نگاه به آیات شریف قرآن، غایت دین اقامه عدل، در سایه توحید است و زمانی عدل اقامه می‌گردد که از دستورات توحیدی و رسل و پیام‌آوران توحید متابعت نموده و در از اطاعت طواغیت و آنچه در برابر توحید است، سرباز زد و به دلیل وجود عداوت کفار و ظلمه، راه حق همواره با ایجاد مانع‌هایی از سوی دشمنان همراه بوده است و مقابله با این مانع‌ها، مهمترین دلیل بر مقاومت در برابر خطرات موجود است؛ تادر انتها درخت عدالت به ثمر نشسته و ریشه ظالمین قلع و جهان به دست صلحاء برسد و بتوانند دین حق را آن‌طور که بایسته و شایسته است؛ اقامه کنند. استقامت، شرایط خود را داراست و نتایج حقیقی به دنبال خواهد داشت. انبیاء از جمله پیامبر اسلام بعنوان سرمداران مقاوت و کسانی که در این راه به تبع ایشان مقاومت می‌کنند تمام سیره و رفتارشان، الگوهای مقاوت هستند که می‌توان به اخراج این الگوها در تمام زمینه‌ها از آنها بهره برد و سعادت دنیا و آخرت را کسب کرد.

قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل رسول صلی الله علیه و آل الرسول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة، محقق / مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، ۵ جلدی، چاپ اول، ایران- قم، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن)، تنظیم و نگارش: حسین شفیعی، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰ ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۳ ش.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۸. حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم، محقق / مصحح: اریانی، مطهر بن علی / عبدالله، یوسف محمد / عمری، حسین بن عبدالله، ۱۲ جلدی، چاپ اول، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله؛ رسولی، هاشم؛ ایران - تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، محقق: هاشم رسولی، چاپ اول، تهران - ایران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۱۳. قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۸ جلدی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۹ق.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، کتاب المزار - مناسک المزار، محقق و مصحح: محمد باقر ابطحی، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ برگزیده تفسیر نمونه، محقق: علی بابایی، احمد؛ ایران - تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲ش.
۱۷. هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۲۱ جلدی، چاپ پنجم، بوستان کتاب، ایران، ۱۳۸۶ ش.